



گ.ای. کارپوف

ترجمه از: رحیم کاکایی

نوشته سرگی دمیدوف درباره گئورگی ایوانویچ کارپوف، تاریخ نگار، مردم شناس و شخصیت اجتماعی - سیاسی ترکمنستان در دوران شوروی

فولکلور، ادبیات و زبان ترکمنی

انتوگرافی واقعی نمیتواند در رابطه تنگ با فولکلور نباشد. سنتز این دو دانش حتی موجب زبان شناسی فرهنگی (اتنیک - قومی) شد. گ.ای. کارپوف نتوانست از غنای خردمندی ملی ترکمن برکنار بماند. وی ضمن بودن در گوشه و کنارهای مختلف جمهوری ترکمنستان، به نمونه های فولکلور ترکمنی گوش فرامیداد، آنها را یاد داشت و جمع آوری میکرد، که این مجموعه بویژه در سال 1934 زمانیکه گئورگی ایوانویچ کمدی فولکلوری - ادبی خود بنام « کیل » [طاس] را بوجود آورد، مفید واقع شد.

مطالب نسخ خطی و برخی نشرهای او مجموعه ای از فولکلور را بیادگار گذاشت. البته انتشار بارزترین و تاثیر بخش ترین در این زمینه که در سال 1936 در شهر مسکو چاپ شد کتاب « آثار خلق های ترکمنستان » بود که گ.ای. کارپوف به همراه ان.ف. لیدف تدارک دیده بود. گذشته از این، این نسخه در آن دوره در نوع خود در حکم نسخه تیپیک و خاص، نه تنها در زمینه آشنایی با نمونه های فولکلور و آثار شفاهی مردمی ترکمن، بلکه آشنایی با بهترین نمونه های اشعار کلاسیک و معاصر بود.

خلاقیت منظوم شاعران کلاسیک ترکمن وحد اقل استادان و اثرگان - معاصر نیز کاملاً بطور قانونمند موافق سه عنصر جاودانی (فولکلور - کلاسیک - زبان) قلب پژوهشگران را بخود جذب کرد، هر چند مطالب و نشرهای اصلی این طرح کمی دیرتر با دوران پایانی دهه سی و آغاز سال های دهه چهل مصادف شد.

کارپوف به موضوع ادبیات کلاسیک و فولکلور ترکمن، بویژه به آثار مختومقلی، که نه تنها بمثابه محقق بلکه در نقش مترجم پرداخت.

سیمای مختومقلی در اینجا در آثار جایگاه ویژه ای را بحق پیدا کرد. در سال 1942 جامعه ترکمنستان خود را جهت برگزاری 160 – مین سال روز مرگ شاعر آماده کرد و گ.ای. کارپوف بعنوان رئیس انستیتوی تاریخ و سپس انستیتوی مشترک تاریخ، زبان و ادبیات تا دوران پیش از جنگ، در سال 1940 – نیمه نخست سال 1941 تدارک جدی جهت روزتاریخی شاعر محبوب آنطور که مطالب بایگانی گواهی میدهد، دید.

گئورگی ایوانویچ سهم شایسته خود را به نشانه احترام به شاعر بزرگ در اثر خود در سال 1941 بنام مونوگرافی « دوره مختوم قلی »، به حجم چهار برگ چاپی، جایکه او توانست خود را بمثابه تاریخ نگار و اتنوگراف بکارگیرد، ابراز داشت. متأسفانه ظاهراً در ارتباط با معضلات جنگ یا به علل دیگر، مونوگرافی چاپ نشد و خوانندگان زیادی توانستند در حدی درباره آن تنها بواسطه قطعات چاپ شده در روزنامه « ایسکرای ترکمنی » دآوری کنند که در آن دوموضوع مربوط به هم – رابطه مختومقلی با صوفی گری و ورود او به مدرسه معتبر خیوه و همچنین سیستم آموزش اسلامی بررسی میشوند.

کارپوف بمثابه سازمانده فوق العاده فعال و ماهر انسان دوست و پیش از هر چیز بمثابه سازمانگر علوم تاریخی ترکمنستان قابل تقدیر است. وی همچنین بسیاری مسائل مردم شناسی ترکمنها را تدوین و تهیه کرد. تنها شماری از آنها چنین هستند: نشان ها – تامغا ها، یاشماق (روگرفتن)، برخی آیین های مذهبی و آداب و رسوم، ریش سفیدان قبیله ای، میرآب ها [کسانی که سیستم آبیاری و روش استفاده از آب را (در مناطق خشک آسیای مرکزی) می دانند و یکپدیا – مترجم]، سنن ازدواج ها، وظایف علم اتنوگرافی ترکمن و غیره. کارپوف به مطالعه و پژوهش برخی دیگر خلق ها – بلوچ ها، گیلانی های ایران، گاگاوزها (قاقاووزها) های اوکرایین و مولداوی علاقمند شد.

کارپوف در تابستان سال 1941 به معاونت رئیس آکادمی علوم تازه ایجاد شده شعبه ترکمنستان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انتصاب میشود. وی در سالهای 1942-1943 از پایان نامه خود درباره ساختار قبیله ای ترکمن ها دفاع می کند. کارپوف در سال های دهه سی تا حد زیادی در اثر شفاعت دوستان و خیرخواهان، که در میان آنها رئیس دولت ترکمنستان غایغی سیز آتابایف و شاعر محبوب و رجل دولتی و اجتماعی آن زمان، اوراز تاج محمدف نیز بودند، گ.ای. کارپوف به عشق آباد باز می گردد و سرپرست انستیتوی پژوهشی – علمی میشود و سپس از سال 1936 زمانیکه انستیتو تقسیم و انستیتوی مستقل تاریخ تشکیل میشود، اولین مدیر آن شد.

در سال 1936 در مسکو در موسسه چاپ و نشر دولتی اثر ادبی منتشر شد که هدف اش را برای نخستین بار آشنا کردن وسیعاً خوانندگان همه شوروی با آثار خلق های یکی از جمهوری های متحده یعنی مجموعه ای از « آثار خلق های ترکمنستان » قرارداد. گردآوری و تنظیم آن، نمونه های ترجمه اشعار موجود در آن از شاعران کلاسیک و آثار فولکلور و همچنین تهیه و تدارک تبصره و حاشیه نویسی برای آن را گ.ای. کارپوف و ان.ف. لیدف انجام داده بودند.

در این مجموعه که با شعر « سلام » آغاز می کند، به شرکت کنندگان مسابقه اسب عشق آباد - مسکو در سال 1935 اختصاص داده شده که شامل هفتادویک اثر است. یک چهارم کتاب را اشعار شاعران کلاسیک ترکمن قرن های هیجده و نوزده، مختومقلی، ذلیلی، سیدی، کمینه، قطعاتی از منظومه های « غریب و شاه صنم »، « صاید و همراه »، رمان حماسی « کؤراوغلی »، نمونه هایی از شعر شاعران ملی و خلقی دوره های پیش از انقلاب و انقلاب – غارا شاهیر (شاعر)، قربان شاهیر (شاعر) و خوجه قلی تشکیل میداد.

بخش عمده این مجموعه، بخش های « آهنگ های ملی و مردمی ترکمنی » چه تا دوره های پیش از انقلاب اکتبر چه دوران پس از انقلاب اکتبر، « افسانه های ترکمنی و داستان های خانگی » هستند. با وجود این چاپ مورد نظر متناسب با عنوان خود تنها به نمونه آثار ترکمنها منحصر نمیشود.

در تفاوت با چاپ های مشابه بسیار دیرتر، بخش گنجانده شده ی « ترانه های دیگرملیت های ترکمنستان » که ترانه های بلوچی، بربری، سیستانی، افغانی، ایرانی، نوغایی جزو آن هستند، علاقه و توجه به آن را شدیدتر می کند. علیحده ترانه های ترکان آناتولی، نوشته شده توسط اسیران جنگی ترک در بایرام آلی، جاییکه آنها در دوران جنگ جهانی اول و چندی پس از پایان آن مستقر بودند، در این مجموعه موجود هستند. بخشی از مطالب موجود در کتاب مورد نظر از مجموعه های قبلا منتشر شده گرفته شده است.

ترانه های ملی و مردمی ترکمنی دوره های پیش از انقلاب و انقلاب را گ. ای. کارپوف و ان. ف. لیدف در مناطق مختلف ترکمنستان در سالهای 1936 - 1922 ثبت کردند. همچنین توسط گ. ای. کارپوف یادداشت های شاعران ملی علاوه بر منظومه های غارا شاهیر (شاعر) « مرو - خداوندگار جهان » انجام گرفت.

این آثار در سال 1926 در ناحیه عشق آباد از یکی از ریش سفیدان ثبت شده بود در مجموعه ای برجسته از شعر هشت قطعه ای ذیلی بنام « وداع » گنجانده شد که شاعر آن را برای محمد رحیم خان که بعنوان اسیر از زادگاه خود به دوردست های خیره ر بوده شد، نوشت.

م. کوسایف نویسنده معروف ترکمن منذکر میشود که نه اصل ونه کپی این شعر در نسخ خطی بنیاد انستیتوی ادبیات فرهنگستان علوم ترکمنستان شوروی حفظ نشد و این امر سهم بزرگی به خلاقیت ذیلی خواهد بود، کاش یکی از شاعران آنرا به زبان ترکمنی ترجمه میکرد. برای نخستین بار خواننده روس زبان میتواند در اینجا اشعار کمینه را که از متن اصلی ترجمه شده و توسط انستیتوی علمی - تحقیقاتی ترکمنستان جمع آوری شده بودند، بخواند.

در پیشگفتار کوتاهی که تدوین کنندگان در مجموعه خود درج کردند می نویسند: « ما در ترجمه ها جهت انتقال هر چه دقیق تر محتوا و فرم متن اصلی تلاش ورزیدیم ». چیزی که هست این مسئله در همه جا نتوانسته موفق شود. حال گفتن اینکه چه کسی شعر و منظوم را ترجمه کرده دشوار است.

بدیهی است که این امر با ترجمه های تحت اللفظی آن توسط تدوین کنندگان، شاعران حرفه ای انجام و بعمل آمده، که زبان اصلی را نمیدانستند و یا به اندازه کافی نمی دانستند، اینکه برخی عبارات گذاشته شده در ترجمه تحت اللفظی درباره چه چیزی، بویژه صحبت می کند. مثلا، در مجموعه موجود ترانه خلقی ترکمنی بنام « شکست تکه » (ترانه ای درباره اشغال منطقه گوگ دپه)، طبق یاد داشت های پروفیسور آ. آ. اسمنوف به عبارت « قوچ جنگنده » دویبان عجیب و غریب صدایی برای خوانندگان روس زبان اختصاص شده که در متن اصلی آشکارا بعنوان « قوچ بیگیت » یعنی « جوان دلیر، دلاور، جسور و شیردل » ظنین انداز است.

این مجموعه با واژه نامه توضیحی که توسط مولفان تهیه شده با صدوشش اسامی خاص و اصطلاحات محلی بیابان میرسد. تفسیر آنها خواننده را به دریافت محتوای آثار موجود در کتاب آسانتر میکند. با توجه به واژه نامه توضیح و تفسیر آن، هر چند برخی عبارات در آن می بایست تدقیق شوند، بطور کلی رضایت بخش هستند.

همچنین در این مجموعه گور اوغلی قهرمان حماسی ترکمن به عنوان « قهرمان ترکی - تاتار قرن هفدهم » تعریف شده؛ بک، حاکم فئودال بسیار پست - بعنوان « شاهزاده و عضو خانواده سلطنتی » در نظر گرفته شده؛ مرید، پیر و معنوی این یا آن شخصیت صوفی، شیخ، پیر یا ایشان - بعنوان « راهب سرگردان - مسافر و دوستدار ایشان » توضیح داده شده است، هر چند بخش عمده مریدان هرگز راهبان در اویش سرگردان نبودند.

بطور کلی انتشار چنین مجموعه ای که درباره آن متی کوسایف، ادبیات شناس گفت که: « هنگامی که آنرا بدست میگیری، نمی توانی به آسانی آنرا سر جایش بگذاری »، از اهمیت زیادی برخوردار بود. این مجموعه توانست سهمی

از خود در پروسه آشنایی متقابل و همگرایی فرهنگ خلق های مختلف کشورما، بگذارد. از سوی دیگر این نویسنده برجسته ترکمن در روزنامه ادبیات و هنر (ادبیات و صونغات) پانزده ژوئیه سال 1988 نوشت که از برکت کارپوف یکی از معروفترین آثار معماری قرون وسطی ترکمنستان – آرامگاه سلطان سنجر، نجات داده شد.

گ.ای. کارپوف تاریخ نگار و مردم شناس در سمت وسوی اصلی علایق علمی خود بود، با این حال بشدت به زبان ترکمنی علاقمند بود و سهم معین خود را به زبان شناسی ترکمن نیز ادا کرد. او باتفاق ش. باتیروف تدوین و تنظیم « فرهنگ روسی – ترکمنی »، بزرگترین فرهنگ آن زمان که برای نخستین بار برپایه الفبای کریلیک تدارک دیده شد و براساس آن خط ترکمنی در سال 1940 شکل گرفت را در نظر می گیرد.

متأسفانه با آغاز جنگ کبیر میهنی و سپس زلزله عشق آباد در سال 1948، انتشار این فرهنگ را تا سال 1948 به تاخیر می افند، زمانی که دیگر یکی از تدوین کنندگان – گ.ای. کارپوف و یکی از سردبیران – خ. بایلیف زنده نبودند. فرهنگ چاپ شده توسط انستیتوی تاریخ، زبان و ادبیات آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با پانزده هزار نسخه، نقش مهمی را در آموزش زبان روسی توسط ترکمنها و ترکمنی توسط غیر ترکمنها ایفا کرد (تدوین کنندگان فرهنگ پیش از هر چیز بر جنبه دوم آن تاکید می کنند).

در پیشگفتار این فرهنگ به تعداد واژگان موجود در فرهنگ لغت اشاره نشده است، اما یک برآورد تخمینی نشان میدهد که دارای بیش از بیست هزار واحد واژگانی است. فرهنگ روسی – ترکمنی با چنین حجمی در جمهوری ترکمنستان تا چاپ دوجلدی سال 1986 که شامل هفتاد و هفت هزار واژه بود، بچاپ نرسیده بود.

اهمیت چاپ فرهنگ لغت که در ترکیب آن گ.ای. کارپوف شرکت داشت، این واقعیت تقویت شد که از زمان چاپ فرهنگ روسی – ترکمنی قبلی، چنانچه فرهنگ کوچک جیبی، چاپ انستیتوی ترکمنی زبان و ادبیات در سال 1939 بحساب نیاوریم، بیست سال تمام گذشته بود (1929) و آن نیز به الفبای لاتینی متکی بود و مدت طولانی دیگر برای خط ترکمنی بکار برده نمیشد.

در سال 1948 پس از مرگ کارپوف فرهنگ روسی به ترکمنی از چاپ بیرون آمد، که باتفاق ش. باتیروف پیش از جنگ زمانی که خط ترکمنی به الفبای کریلیک تبدیل شد، آماده کرده بودند. این فرهنگ خوبی به هزاران ترکمن و روس جهت آموزش زبان های یکدیگر آنها خدمت کرد.

در فرهنگ لغتی که ما درباره آن سخن می گوئیم، سهم گ.ای. کارپوف بعنوان مؤلف، ظاهراً تدارک بخش های روسی آن نصیب اش شد. ب. آ. کارریف، پ. عظیموف، آ. ککیف و دیگران که برای نیمه ی ترکمنی آن مطالب لغوی بکار بردند و همچنین آنرا تنظیم و آماده کردند، بعنوان زبان شناس شهرت فراوانی پیدا کردند.

آنطور که پیغام عظیموف همکار سابق او که بعد ها رئیس آکادمی علوم ترکمنستان شوروی شد، بخاطر می آورد و بطور عالی درباره کارپوف اظهار نظر می کند، او همواره نوشته های کارپوف را دریافت میکرد. همانا در پرتو پشتکاری و استعداد به کار باور نکردنی وی اندوخته نسخه خطی گ.ای. کارپوف در کتابخانه های عشق آباد یکصد و شصت و پنج پوشه برآورد میشود- چندین برابر بیشتر از نسخه خطی هر مؤلف دیگر است. متأسفانه حداقل هفتاد – هشتاد درصد از آثار تهیه شده و مطالب علمی نسخه خطی این محقق چاپ نشده اند.

البته یک مورد بسیار فوق العاده در پژوهش های گئورگی کارپوف که مربوط به ایران بود، شرکت زنده ی فعال او در کار هئیت اعزامی بود که شروع و نقطه پایان یازده مسیر در خاک ایران شهر گرگان بود. نتیجه این سفر برای کارپوف پنج دفتر قطور یادداشت هایش بود که وی طی راه انجام داده بود.

گ.ای. کارپوف در ماموریت اعزامی خود به ایران در راستای جمع آوری مطالب تاریخی و قوم نگاری چهار ماه در سه استان شمال ایران - گرگان، مازندران و خراسان، از پانزده اکتبر 1942 تا تاریخ پانزده فوریه 1943 بسربرد.

در ابتدای سفر خود جهت کاوش در استان گرگان، تنها در نه روز، از بیست و هشت اکتبر تا پنج نوامبر 1942، او قادر شد به چهارده روستاهای آن منطقه منجمله - بندر شاه (شهر بندر ترکمن کنونی . مترجم)، پهلوی دژ (شهر آق قالا کنونی . مترجم)، اومچه لی، قارقی، گومیش دپه ، باش یوسقا، سالاق ،خوجه نفس، رحمت آباد، برفتان، عباس آباد، محمد آباد، قلی آباد، وغاریخ مراجعه کند. همچنین در روستای علی آباد توانست از حمام سنتی فارسی آنجا دیدن کند.

در دانشنامه ده جلدی ترکمنستان شوروی گ.ای. کارپوف بمتابه محقق، تاریخ نگار و اتنوگراف نیز بچاپ رسید .
گ.ای. کارپوف 9 دسامبر سال 1890 در روستای کاراوانیکا در استان ساراتوف منطقه ولگا گراد بدنیا آمد و 31 مارس 1947 در شهر عشق آباد درگذشت.